

اسطوره متن بینا نشانه‌ای



حضور شاهنامه در هنر ایران

الهه بخت‌آور، رویا تقی‌آوا، محمد صحرانورد، هاجر صمدی،
حمیدرضا قلیچ‌خانی، منیژه کنگرانی، مهدی مکی‌نژاد، کریم میرزایی،
محمد مهدی هراتی، بهمن نامور مطلق



تهران ۱۳۸۹

عنوان و نام پدیدآور: اسطوره‌متن بینا‌شانه‌ای: حضور شاهنامه در هنر ایران / به کوشش بهمن نامور مطلق ... [و دیگران]

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: بیست و دو، ۱۸۳ ص: مصور، جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱۱-۱۰۸-۹

و ضمیمه فهرست نویسی: فیا

یادداشت: نویسندگان: الهه بخت‌آور، رویا تقی‌آوا، محمد صحرانورد، هاجر

صدقی، حمیدرضا قلیچ‌خانی، منیژه کنگرانی، مهدی مکی‌نژاد،

کریم میرزایی، محمد مهدی هراتی.

یادداشت: کتابنامه

عنوان دیگر: حضور شاهنامه در هنر ایران.

موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۳۱۶ ق.-- تأثیر

موضوع: شاهنامه در هنر

موضوع: اساطیر در هنر

موضوع: هنر ایرانی-- زمینه و موضوع

شناسه افزوده: نامور مطلق، بهمن

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ الف ۵۸۷ / PIR ۴۴۹۷

رده‌بندی دیویی: ۸۲۱ / ۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۰۳۷۲۸

اسطوره‌متن بینا‌شانه‌ای (حضور شاهنامه در هنر ایران)

به کوشش بهمن نامور مطلق

چاپ نخست: ۱۳۸۹؛ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی: موج؛ چاپ: شیرین؛ صحافی: مهرآیین

حق چاپ محفوظ است.



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

○ اداره مرکزی: خیابان آفریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۹۶۴۷؛ تلفن: ۱۵۸۷۵-۷۰۰۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

آدرس اینترنتی: www.elmifarhang.ir info@elmifarhang.ir

○ مرکز پخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان آفریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گلنام، پلاک ۷۲؛ کدپستی: ۱۹۱۵۶۷۳۴۸۳؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴-۴۳؛ تلفکس: ۲۲۰۵۰۳۲۶

آدرس اینترنتی: www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

○ فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶

فهرست مطالب

هفت	بهمن نامور مطلق	مقدمه: گسترش اسطوره‌متن شاهنامه در هنر ایرانی
۱	بهمن نامور مطلق منیره کنگرانی	شاهنامه‌نگاری در ایران؛ نقش شاهنامه‌نگاری در نقاشی ایرانی
۵۱	محمد مهدی هراتی	درآمدی بر تذهیب و کتاب‌آرایی در شاهنامه
۷۳	مهدی مکی‌نژاد	تأثیر شاهنامه بر کاشیکاری در ایران
۹۳	حمیدرضا قلیچ‌خانی	کاتبان شاهنامه
۱۱۱	رویا تقی‌آوا	شاهنامه‌ی فردوسی برقالیچه‌ها
۱۳۳	محمد صحرانورد	بازتاب شاهنامه‌ی فردوسی در آثار فلزکاری ایران
۱۴۵	هاجر صمدی	شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم قمری
۱۶۳	الهه بخت‌آور کریم میرزایی	شاهنامه‌نگاری در امپراتوری عثمانی

مقدمه

گسترش اسطوره‌متن شاهنامه در هنر ایرانی

شاهنامه‌ی فردوسی نه تنها موجب رشد و گسترش شگفت‌آور حماسه‌سرایی در ایران شد، بلکه به همان نسبت نیز زمینه‌های گسترش و پیشرفت حماسه‌نویسی، حماسه‌نگاری و حماسه‌آرایی و رشد و اعتلای هنرهای خوش‌نویسی، نگارگری و کتاب‌آرایی و... را در فرهنگ و هنر ایرانی فراهم آورد. حضور و تأثیر شاهنامه در هنر ایرانی بسیار گسترده است، زیرا داستان‌های شاهنامه از مهم‌ترین عناصر برای آفرینش اغلب هنرها به‌ویژه گچبری، فلزکاری، منسوجات، نمایش، موسیقی و... به شمار می‌آید. همچنین می‌توان افزود که شاهنامه مهم‌ترین تأثیر را بر نحوه ارتباط میان ادبیات و هنر، و به عبارت دیگر نظام نشانه‌ای-کلامی با دیگر نظام‌ها در فرهنگ ایرانی و ایرانی - اسلامی گذارده است. بدون شاهنامه هیچ‌گاه روابط میان ادبیات و هنر وضعیت موجود را پیدا نمی‌کرد، و ادبیات و شعر در طول قرن‌های متمادی محور و کانون بسیاری از هنرها نمی‌گردید. این رابطه تنگاتنگ و کم‌نظیر میان نظام نشانه‌ای-کلامی و نظام‌های دیگر نشانه‌ای همچون تصویری، حجمی و نمایشی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بیش از هر اثر دیگری در زبان فارسی مرهون شاهنامه‌ی فردوسی است. در واقع شاهنامه از اسطوره‌متن‌های سترگ فرهنگ و ادب فارسی است و جایگاه کم‌نظیری در شکل‌گیری هویت فرهنگی و هنری ایرانیان دارد.

نقش شاهنامه در هویت فرهنگی ایرانیان تا بدان جاست که بدون این اسطوره‌متن، فرهنگ و هنر ایرانی و ایرانی - اسلامی شکل دیگر و بسیار متفاوت نسبت به وضعیت کنونی به خود می‌گرفت. در این جا تنها به گذری کوتاه بر تعامل هنرهای ایرانی و ایرانی - اسلامی با شاهنامه بسنده می‌شود و بحث مفصل‌تر و مستقل‌تر به مقالات این کتاب واگذار می‌گردد.

الف) ترجمه بینانشانه‌ای

یک متن برای تبدیل شدن به یک اسطوره‌متن یا در همان نظام نشانه‌ای خود گسترش می‌یابد و تکرار می‌شود، و یا این‌که از مرزهای نشانه‌ای خود می‌گذرد و به حوزه‌های نشانه‌ای دیگر وارد و متکثر می‌شود. برخی از آثار و به‌ویژه اسطوره‌متن‌ها دارای قابلیت‌ها و ویژگی‌های بینانشانه‌ای هستند و هرچند به یک یا دو نظام نشانه‌ای تعلق دارند، اما این قابلیت‌ها به آن‌ها اجازه می‌دهد که به میدان‌های نشانه‌ای دیگر نیز نفوذ کنند. شاهنامه‌ی فردوسی یکی از اسطوره‌متن‌های فرهنگی است که از بستر نشانه‌ای نخستین خود خارج می‌شود، و در حوزه‌های گوناگون معرفتی و هنری حضور می‌یابد و آن‌ها را متأثر می‌سازد. در چنین گذاری از یک نظام نشانه‌ای به نظام‌های دیگر نشانه‌ای است که اسطوره‌متن می‌تواند بر پاره‌ای گسترده‌تر از فرهنگ تأثیر گذارد و در شاخه‌های دیگر نیز گسترش یابد. چنین گذاری از یک نظام نشانه‌ای به نظام نشانه‌ای دیگر را ترجمه بینانشانه‌ای می‌گویند.

گستره ترجمه بینانشانه‌ای یک متن یا یک اسطوره‌متن به غنا و عناصر بینانشانه‌ای آن بستگی دارد. چنان‌که اگر متنی دارای عناصر نشانه‌ای بیشتر و کامل‌تری باشد، میزان و تنوع ترجمه بینانشانه‌ای آن نیز افزون‌تر خواهد بود. در مقابل، هرچه این عناصر محدودتر باشند امکان و موقعیت ترجمه بینانشانه‌ای نیز محدودتر می‌شود. برای نمونه اگر متنی فاقد عناصر نمایشی (دراماتیک) باشد، نمایشنامه‌نویسان توجه و گرایش کمتری به آن خواهند داشت. این مسئله در مورد موسیقی و موضوع اثر نیز صادق است.

به‌طور کلی این ویژگی‌ها به سه بخش مضمونی، موضوعی و سبکی قابل دسته‌بندی هستند. اگر یک اسطوره‌متن دارای برجستگی‌های بارزی در این عناصر سه‌گانه باشد، می‌تواند از مرزهای نشانه‌ای اولیه خود خارج شود و به سرزمین‌های نشانه‌ای دیگر سفر کند.

شاهنامه‌ی فردوسی اسطوره‌متنی است که به بهترین شکل ویژگی‌های بیناننشانه‌ای را در فرهنگ ایرانی دارد. این اثر، هم از نظر موضوعی، هم از حیث مضمونی و هم از جهت سبکی ویژگی‌های منحصر به فرد و مخصوصی دارد که توجه اغلب رشته‌های هنری را به خود جلب کرده است. عناصر تصویری، دراماتیک، عناصر موسیقایی در کنار موضوع‌های اسطوره‌ای، تاریخی، قومی و ملی، و مضامین انسانی و جهانی نه تنها نظر هنرمندان ایرانی را به خود جلب می‌کند، بلکه هر هنرمندی که با آن آشنا شود از هر نژاد و هر ملتی که باشد به آن علاقه‌مند می‌شود.

غنا و کمال ویژگی‌های بیناننشانه‌ای **شاهنامه** است که موجب شده این اسطوره‌متن در اغلب هنرهای ایرانی و حتی غیر ایرانی جاری و ساری گردد، و به‌طور پیوسته خود را در هنر نیز همانند ادبیات تکثیر و توزیع کند. تکثیر **شاهنامه** در هنرهای ایرانی نه فقط سبب گسترش مفاهیم و مضامین **شاهنامه** برای اقشار مختلف و سلیقه‌های گوناگون شد، بلکه این مجال را نیز فراهم آورد تا برخی رشته‌های نوین در هنر ایرانی پدید آید یا برخی دیگر به کمال و اعتلا دست یابند. از این حیث **شاهنامه‌خوانی** و تا حدی خیالی‌نگاری در دسته نخست، و حماسه‌نگاری ایرانی در دسته دوم جای می‌گیرند.

ب) تجلی شاهنامه در شاخه‌های گوناگون هنری

چنان‌که گفته شد، **شاهنامه‌ی فردوسی** و داستان‌های آن و همچنین شخصیت خود فردوسی از موضوع‌ها و مضامین مهم در شاخه‌های گوناگون هنر ایرانی است. حضور **شاهنامه** در هنر ایرانی اگر بیشتر و تأثیرگذارتر و گسترده‌تر از حضور آن در ادبیات نباشد، کمتر از آن نیز نیست. این ادعا شاید موجب شگفتی

شود، زیرا شاهنامه به نظام کلامی شعر تعلق دارد و چنین حضور گسترده‌ای در نظام‌های خارج از بستر اصلی خود تعجب‌برانگیز است. در این قسمت کوشش می‌شود، ضمن برشمردن حضور و سهم شاهنامه در شکل‌گیری آثار هنری، به پاره‌ای از آن نیز تا حدی اشاره گردد. بحث‌های مفصل‌تر، چنان‌که گفته شد، در مقالات این مجموعه خواهد آمد. مطالب زیر فقط در حد شواهدی برای تحلیل ترکیبی قسمت پسین مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

خوش‌نویسی: شاهنامه‌نویسی یکی از فعالیت‌های مهم خوش‌نویسان در طول تاریخ هنر ایرانی-اسلامی بوده است. شاید بتوان گفت که پس از کتابت قرآن، که هر خوش‌نویسی می‌کوشید تا نهایت هنر خود را در آن به منصه بروز و ظهور بگذارد، شاهنامه‌نویسی از مرتبه قابل توجهی در هنر خوش‌نویسی برخوردار بود. البته این نکته مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که خوش‌نویسی شاهنامه نسبت به سایر گونه‌های شعری — به‌طور مثال غزل — این مشکل را داشته است که شاهنامه منظومه‌ای بزرگ و طولانی است که می‌توان آن را حداکثر به چند داستان نه‌چندان کوتاه دیگر تقسیم کرد که هر کدام حجم و صفحات زیادی را در بر می‌گیرد. اما غزلیات سعدی یا حافظ یا دیگر غزلسرایان این امتیاز را نسبت به حماسه‌سرایان مثنوی‌گوی داشت که می‌توانستند بخشی خاص و بسیار محدود همانند یک غزل را به صورت‌های گوناگون و گونه‌های متفاوت هنری خوش‌نویسی کنند. به همین دلیل شاید غزل‌نویسی خوش‌نویسان مورد اقبال بیشتری بوده است. اما جایگاه شاهنامه‌نویسی نیز همچنان محفوظ مانده است.

در این صورت بیش‌متن برگرفته‌شده از شاهنامه برای این که هنری باشد باید به صورت خوش‌نویسی عرضه شود. نخستین شاهنامه‌ها بیشتر به صورت تک‌نظامی کلامی و نوشتاری بود و به همین دلیل کتابت همراه با خوش‌نویسی شکل اساسی و رایج در تکثیر شاهنامه شد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که نخستین تجلی شاهنامه در هنر پس از شاهنامه‌خوانی در شکل مکتوب یعنی شاهنامه‌نویسی آغاز می‌شود. در واقع، همین نوع تکثیر

بود که امکان انواع تکثر در نظام‌های دیگر نشانه‌ای و هنری را فراهم آورد. سفالینه‌ها: معروفیت و محبوبیت شاهنامه به حدی است که از نخستین سده‌های سرایش آن، تصاویری از روایات یا ابیاتی از شاهنامه روی ظروف به‌خصوص سفالینه‌ها و کاشی‌نگاره‌ها مشاهده می‌شود. هنرمند سفالگر ایرانی با الهام از حکمت و داستان‌های شاهنامه به تزیین دست‌ساخته‌هایش می‌پرداخت. در این رابطه با ابیاتی از شاهنامه یا داستان‌هایی ملهم از شاهنامه و گاه با بهره‌گیری از ترکیب متن و تصویر به تزیین ظروف می‌پرداخت. به این ترتیب که نقش در میان ظرف با حاشیه‌ای از متن شعری تزیین می‌یافت. از جمله داستان‌های منقوش می‌توان به ضحاک ماردوش، فریدون سوار بر گاو، بهرام و آزاده، بیژن در چاه، سلم و تور و ایرج و نیز اشعاری پراکنده از شاهنامه اشاره کرد که از سده‌های پنج به بعد به‌کرات بر ظروف سفالین نقش بسته است. شاید جام مینایی باقی‌مانده از قرن‌های شش و هفت قمری در ری (موجود در گالری فری‌ری) یکی از مطرح‌ترین نمونه‌ها در این رابطه است. در این جام صحنه‌های مختلف داستان بیژن و منیژه در سه ردیف مجزا به صورت افقی تصویر شده است.

کاشی‌نگاره: اشعار شاهنامه در قالب نوشتاری و تصویری از نخستین سده‌های اسلامی بر کاشی‌ها نقش بسته است. نمونه‌های متعددی از کاشی‌های زرین‌فام و مینایی که به شکل خشتی، چلیپا و شش‌پر در موزه‌ها نگهداری می‌شود، شاهدی بر این مدعاست. بر بعضی از قطعات کاشی‌ها گاه تا پنج بیت نیز نوشته می‌شد. علاوه بر آن که صحنه‌هایی از داستان‌های شاهنامه بر برخی از کاشی‌ها نقش شده است، سنت کاشی‌نگاره پس از آن در دوره‌های بعد نیز ادامه می‌یابد و برخی از نقوش برجسته بر کاشی‌های برجسته و آجرهای تراشیده‌شده می‌توانند بیانگر حضور تک‌نشانه‌ای حجمی باشند. کاشیکاری‌های زیادی به‌ویژه از دوران زند و قاجار می‌توان یافت که به موضوع داستان‌های شاهنامه اختصاص داشته است. به‌طور نمونه داستان رزم رستم و دیو سپید یعنی خوان هفتم از موضوع‌هایی است که بارها در

کاشی‌ها به تصویر کشیده شده است. یکی از این نمونه‌ها را می‌توان در سردر ارگ کریم‌خانی مشاهده کرد. دو میز سرامیکی با مضامین و تصاویری از داستان‌های شاهنامه اثر علی‌محمد اصفهانی هنرمند دوره قاجار — که اکنون در موزه ویکتوریا آلبرت و موزه آبگینه نگهداری می‌شود — نیز نشان از توجه هنرمندان این رشته به شاهنامه است.

نگارگری: از نخستین سده‌های حکومت اسلامی در ایران تا قرن هفتم قمری هنوز نگارگری به صورت هنری مستقل و تخصصی چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. از قرن هفتم رفته‌رفته نگارگری برای خود جا باز کرد و با حضور مغولان — به دلیل تجربه‌ای که از هنر چین داشتند — تصویرگری و شمایل‌پردازی البته با ویژگی‌های خاص خود ظهور کرد. این امر همچنین موجب نوزایی هنری شد که در هنرهای پیش از اسلام ریشه داشت. از دوره ایلخانیان چندین کتاب مصور و از جمله شاهنامه به یادگار مانده است که در عرصه تصویرپردازی تحولی قابل توجه به حساب می‌آید.

شایان ذکر است که برخی از کتاب‌ها در یک دوره چندین مرتبه مصور شده‌اند. به‌طور مثال می‌توان به کتاب جامع‌التواریخ نوشته رشیدالدین فضل‌الله همدانی در دوره ایلخانیان اشاره کرد. گاه توجه و حمایتی که به دلایل خاص در یک دوره زمانی کوتاه از اثری می‌شد، اغلب با سپری شدن آن شرایط کتاب‌های یادشده به سرعت از دایره توجه خارج می‌شد. برای تکمیل سخن خود دوباره به کتاب جامع‌التواریخ ارجاع می‌دهیم که به دلیل صدارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی و حمایت وی چندین بار مصور می‌شود، اما پس از آن دوره کمتر مورد توجه قرار گرفت. لذا شاهنامه برخلاف این قبیل آثار در اغلب دوره‌های تاریخی حضور دارد و مصور می‌شود و همانند جریانی ثابت در نگارگری ایرانی تداوم می‌یابد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که شاهنامه روح هنر نگارگری ایرانی تلقی می‌شود، زیرا تقریباً پس از این تاریخ در هر دوره‌ای مصور شده است و در هر دوره ویژگی‌ها و خصوصیت‌های آن دوره را همانند آینه‌ای هنری باز می‌تاباند. به بیان دیگر، می‌توان فرایند

رشد و تحول هنری و حتی فرهنگی جامعه ایرانی - اسلامی را در دوره‌های گوناگون به یاری شاهنامه مورد مطالعه قرار داد.

جالب این‌که شاهنامه‌نگاری از مرزهای فرهنگ ایرانی گذر کرد و تا سرزمین‌های مجاور در شرق، غرب و شمال گسترش یافت. به‌طور مثال در دوران حکومت عثمانی سنت رایج و قوی شاهنامه‌سرایی و شاهنامه‌نگاری آغاز شد که تأثیر زیادی بر نقاشی عصر عثمانی به جای گذارد.

نقاشی خیالی: نقاشی خیالی یا خیالی‌سازی یکی از هنرهای اصیل مردمی در فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. متأسفانه از این هنر مردمی آثار زیادی به جای نمانده و همانند اغلب هنرهای مردمی مورد بی‌مهری کتابخانه‌ها و مجموعه‌داران قرار گرفته است. این هنر در دوره قاجار و به‌خصوص پس از جنبش مشروطه رشد و توسعه یافت. بخش گسترده‌ای از نقاشی خیالی به موضوع شاهنامه اختصاص یافته است. به بیان روشن‌تر، نقاشی خیالی دو منبع اصلی و اساسی در ایران داشته است که یکی شاهنامه و دیگری واقعه کربلاست. جالب این‌که این دو موضوع در نقاشی خیالی تا حد امکان به هم نزدیک شده‌اند و عناصر بینامتنی میان آن‌ها گاهی تا آن حد است که می‌توان این دو را یک داستان پیوسته پنداشت. این نقاشی‌ها اغلب در شاهنامه‌خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت، لذا یکی از مراکز ثابت این هنر قهوه‌خانه‌های اصیل و بزرگ بود. بیشترین صحنه‌های شاهنامه‌ای به هفت‌خوان رستم به‌ویژه کشته شدن دیو سفید، کشته شدن سهراب، جنگ رستم و اشکبوس، گذر سیاوش از آتش یا ریخته شدن خورش و بهرام و گل‌اندام پرداخته شده است.

نقاشی پشت‌شیشه: نمی‌توان از تصویرگری شاهنامه و خیالی‌سازی در نقاشی سخن گفت و به نمود داستان‌های شاهنامه در آثار نقاشی پشت‌شیشه اشاره نکرد. داستان‌های اسطوره‌ای شاهنامه و نبردهای رستم یکی از موضوع‌های مهم این گونه هنری است که از اواخر دوره زند رایج شد و در دوره قاجار به اوج خود رسید. نمونه‌های مختلف چنین آثاری در موزه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود.

دیوارنگاری: دیوارنگاری‌های مربوط به داستان‌های شاهنامه به تاریخ پیش از سرایش شاهنامه بازمی‌گردد. متأسفانه از این دیوارنگاره‌ها جز اندکی بر جای نمانده است، اما همین نمونه‌ها برای اثبات چنین ادعایی کفایت می‌کند. به‌طور مثال می‌توان به دیوارنگاره‌های پنجیکنت (سمرقند) در سده هفتم و هشتم میلادی — که تصاویری از ضحاک و رستم را نشان می‌دهد — اشاره کرد. پس از سروده شدن شاهنامه، تصویرسازی به‌ویژه پس از هجوم مغولان و علاقه آن‌ها به تصویرپردازی شدت بیشتری گرفت.

گچبری: گچبری از هنرهایی است که ایرانیان آثار بسیار زیبایی به‌ویژه در دوره ساسانی خلق کردند و هنوز بخش قابل توجهی از آن بر جای مانده است. ایرانیان از همان دوران با الهام از داستان‌های اسطوره‌ای به خلق آثار هنری پرداختند. پس از اسلام این هنر همچنان رشد و توسعه یافت و در مکان‌های مقدسی همچون مساجد کاربرد فراوانی پیدا کرد. از گذشته‌های دور تا امروز شاهنامه نیز یکی از موضوع‌های گچبری و نقاشی روی آن محسوب می‌شده است.

فرش: نقوش برگرفته از داستان‌های شاهنامه از سده دوازدهم قمری در فرش‌های ایرانی رایج شد. موضوع‌هایی که بر اساس شاهنامه به شکل تصاویر هوشنگ‌شاهی یا تصاویری به سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای یا مینیاتورهای رایج بر فرش‌ها نقش می‌یست، در سه بخش اساطیری، حماسی و تاریخی قابل بررسی است. از جمله این موارد می‌توان به قالی محفوظ در موزه فرش که به قاب‌قابی موسوم است و در سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۴ قمری در تبریز بافته شده اشاره کرد که ۲۵ صفحه از شاهنامه و ۱۰۰ بیت از اشعار آن را نشان می‌دهد. علاوه بر آن ۲۷ تخته فرش در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ ش بافته شده است که مضامین شاهنامه‌ای دارد.

منسوجات: منسوجات از دیگر هنرهایی است که تجلی‌گاه داستان‌های شاهنامه به شمار می‌رود. داستان‌ها و اشعار شاهنامه به انحای مختلف بر این آثار نقش بسته است. برای نمونه می‌توان به جامه ابریشمی که در موزه

چمبر آرموری مسکو نگهداری می‌شود اشاره کرد که بر آن صحنه‌ای از نبرد قهرمانی با اژدها نقش بسته است، و از نظر پژوهشگران صحنه نبرد هوشنگ‌شاه است که در فصل‌های آغازین *شاهنامه* روایت شده است.

قلمکاری: قلمکاری نیز از رشته‌هایی است که ایرانیان امکان شمایل‌پردازی آن را به شدت افزایش داده‌اند. قلمکاری کارکردهای گوناگونی همچون بقعه، سفره و پرده داشته است. همچنین قلمکاری عرصه هنرنمایی‌های هنرمندان قلمکار به ویژه اصفهانی محسوب می‌شود که توانسته‌اند نقش‌آفرینی‌هایی بسیار زیبا از خود نشان دهند. برخی از زیباترین صحنه‌آرایی‌های این قلمکاری‌ها به داستان‌های *شاهنامه* به ویژه در دوره قاجار اختصاص یافته است، و هنوز پاره‌ای از زیباترین آن‌ها در نزد مجموعه‌داران نگهداری می‌شود. از آن میان می‌توان به پرده‌های قلمکار که مزین به نقاشی‌های شاهان اسطوره‌ای *شاهنامه‌ای* است اشاره کرد.

قلمزنی و فلزکاری: یکی دیگر از هنرهای حجمی که می‌تواند به موضوع *شاهنامه* بپردازد و تعدادی قابل توجه از اشیاء و ظروف تزینی به این موضوع اختصاص یافته قلمزنی است. بشقاب‌های فلزی نیز همانند بشقاب‌ها و به‌طور کلی ظروف سفالی در گذشته‌ای نه‌چندان دور جایگاه هنرنمایی هنرمندان سستی محسوب می‌شد. این بشقاب‌ها که اغلب دارای کارکرد روزمره به ویژه برای دربار بود، گاهی در نزد اقشار دیگر کارکرد صرفاً زیبایی‌شناسانه و غیرمصرفی پیدا می‌کرد. در هر صورت این بشقاب‌ها گاه همانند صفحه‌ای کاغذی محل نقل روایت‌های *شاهنامه‌ای* بود. این روایت‌ها اغلب به صورت تصویری و گاهی نیز به شکل تصویری-کلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. هنرهای نمایشی و تئاتر: در ادبیات فارسی، *شاهنامه‌ی* فردوسی عناصر لازم را برای خلق درام به بهترین شکل خود داراست، و یکی از منابع اصلی نمایشنامه‌نویسی به زبان فارسی و برخی از دیگر زبان‌ها به شمار می‌رود. در این زمینه، می‌توان خوانندگان را برای مطالعه بیشتر به *شاهنامه و ادبیات دراماتیک* نوشته مهدی فروغ ارجاع داد. بنابر مستندات این کتاب، تعداد

نمایشنامه‌های برگرفته از شاهنامه تا سال ۱۳۵۰ ش به هشتاد نمایشنامه رسیده است که در این میان، داستان‌های رستم و سهراب، بیژن و منیژه و پس از آن داستان سیاوش، ضحاک و بهرام از اقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند. این جریان اگرچه در سال‌های نخست پس از انقلاب کند شد، پس از چندی از نو آغاز شد و در دو دهه اخیر نمایشنامه‌های زیادی از شاهنامه اقتباس شده است. از میان این نمایشنامه‌ها می‌توان به سهراب‌کشی نوشته بهرام بیضایی، و مویه جم، هفت‌خان رستم از قطب‌الدین صادقی و شغاد از داریوش ارجمند اشاره کرد. در پایان این بخش باید به نمایش اپرای عروسی رستم و سهراب به آهنگسازی لوریس چکناواریان و کارگردانی بهروز غریب‌پور اشاره کرد که در سال ۱۳۸۳ ش اجرا شد. این نمایش که به گفته سازندگان آن ساختش ۲۵ سال طول کشید و در ستایش شاهنامه‌ی فردوسی است، با عروسی‌ها و به شیوه اپرایی بر صحنه رفت و مورد استقبال مخاطبان ایرانی و خارجی قرار گرفت.

از دیگر هنرهای نمایشی که در تکثیر شاهنامه به‌ویژه در قشر عوام تأثیر بسزایی داشته و تا دورترین و عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی و قومی ایرانیان نفوذ کرده، شاهنامه‌خوانی است. این هنر از هنرهای شاهنامه‌ای محسوب می‌شود، یعنی از هنرهایی که بر اساس شاهنامه شکل گرفته است و اگر شاهنامه نبود چنین هنری دست‌کم به صورت کنونی آن پا نمی‌گرفت. البته هنر شاهنامه‌خوانی یا داستان‌خوانی‌های شبیه آن در دوره‌های پیش از اسلام ریشه داشت، چنان‌که تاریخ‌نویسان اسلامی گفته‌اند در دوران پیامبر (ص) عده‌ای از اعراب به تقلید از ایرانیان به نقل داستان‌های شاهنامه‌ای می‌پرداختند. شاهنامه‌خوانی همچنین از هنرهایی است که مرزهای ایران را درنور دیده و به دربار برخی از پادشاهان و فرمانروایان کشورهای مجاور همچون عثمانی‌ها راه یافته است. شاهنامه‌خوانی گاه با پرده‌خوانی همراه بوده است.

موسیقی: ساخت قطعات متعدد موسیقایی بر اساس روایات شاهنامه به‌ویژه در دهه‌های اخیر در ایران و خارج از کشور به‌شدت رواج یافته

است. در این رابطه می‌توان به سمفونی بیژن و منیژه اثر استاد دهلوی که بر اساس آن برنامه‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور اجرا شده است، و همچنین اجراهای متعدد گروه‌های موسیقی و تولید نوارهای صوتی همچون خوان اول رستم، داستان رزم رستم و افراسیاب، ازدواج رستم و ته‌مین، سوگ سهراب، زادن زال و... اشاره کرد. علاوه بر فعالیت‌هایی که در زمینه موسیقی شاهنامه‌ای در ایران شده است، هنرمندان در خارج از کشور توجه خود را به این حماسه بزرگ ایرانی معطوف کرده و آثاری بر این اساس آن خلق کرده‌اند.

سینما: نخستین فیلم‌های سینمایی در ایران اقتباس‌هایی از متون کهن و منظومه‌های فارسی چون شاهنامه و هفت‌پیکر نظامی بوده است. فیلمسازان اولیه سینمای ایران مثل عبدالحسین سپنتا و اسماعیل کوشان با آگاهی از علاقه تماشاگران ایرانی به داستان‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی، به اقتباس از این آثار رو آوردند. هدف آن‌ها ضمن سرگرم کردن تماشاگران، ترویج روحیه ملی‌گرایی، میهن‌پرستی و ستایش فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد قبول جامعه آن روزگار بود. یکی دیگر از کسانی که در اوایل دهه چهل با نگرشی مدرن به اقتباس از ادبیات کهن فارسی (شاهنامه) پرداخت، فریدون رهنماست. وی که فیلمساز و دانش‌آموخته خارج از کشور بود، متأثر از سینمای مدرن اروپا فیلم سیاوش در تخت جمشید را بر اساس داستان سیاوش شاهنامه‌ی فردوسی ساخت. این فیلم که تلفیقی از واقعیت و خیال بود، با بیانی تئاتریکال سعی در بازخوانی اسطوره سیاوش در جهان امروز داشت. از آثار جدیدی که بر اساس شاهنامه تهیه شده است، می‌توان به سریال تلویزیونی چهل سرباز به کارگردانی نوری‌زاد اشاره کرد که به ماجرای نبرد رستم و اسفندیار پرداخت. ساخت فیلم‌های سینمایی انیمیشنی از دیگر نمونه‌هایی است که بر اساس شاهنامه تهیه شده است و در این مورد می‌توان به انیمیشن نود دقیقه‌ای رستم و اسفندیار به کارگردانی اسفندیار احمدیه اشاره کرد.

ج) گونه‌شناسی بیش‌متن‌های شاهنامه‌ای

در قسمت‌های پیش بیشتر بر رشته‌ها و شاخه‌های هنری تأکید شد، اما در این بخش به بررسی عناصر و ترکیب نشانه‌شناسانه پرداخته می‌شود. زیرا با توجه به نظام‌های نشانه‌ای می‌توان روابط میان شاهنامه و انواع هنرها را در روابط بیناشانه‌ای مورد بررسی قرار داد.

کلامی و غیر کلامی: بیش‌متن‌های شاهنامه را می‌توان به دو دسته کلی نظام‌های کلامی و غیر کلامی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی از این جهت حایز اهمیت است که شاهنامه خود دارای نظام کلامی است و به صورت کلامی یعنی شعر سروده شده است. اما بیش‌متن‌های آن الزاماً همگی دارای نظام نشانه‌ای همخوان یعنی کلامی نیستند، بلکه علاوه بر بیش‌متن‌های کلامی می‌توان شاهد انواع بیش‌متن‌های غیر کلامی همچون تصویری، حجمی، موسیقایی، نمایشی و سینمایی نیز بود. انتقال مفاهیم شاهنامه را از نظام کلامی به نظام‌های غیر کلامی ترجمه بیناشانه‌ای می‌نامند. این ترجمه می‌تواند موضوع قابل توجهی برای محققان باشد، زیرا در هر ترجمه‌ای بخشی از مفاهیم دگرگون می‌شوند. روابط بیش‌متنی و بینامتنی و همچنین بیناشانه‌ای شاهنامه با نظام‌های دیگر در دوران مختلف و با توجه به نقش هنرمندان و شرایط و شخصیت آن‌ها تغییر می‌یابد.

ارجاع مستقیم و ارجاع غیر مستقیم: شاهنامه در بسیاری از موارد به‌طور مستقیم برای خلق اثر هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین صورتی می‌توان از ترجمه بیناشانه‌ای سخن گفت. زیرا نظام نشانه‌ای شاهنامه نظامی کلامی به حساب می‌آید و برای انتقال آن به هر هنری به ترجمه و اقتباس غیر کلامی یا دست‌کم غیر کلام شعری نیاز خواهد بود. ارجاع مستقیم به شاهنامه خود دارای اقسام گوناگونی است، چنان‌که به‌طور مثال هنرمند یا نویسنده‌ای یکی از داستان‌های ویژه را به تصویر کشیده باشد یا این‌که قطعه‌ای از اشعار را در اثری مورد استفاده صریح قرار داده باشد.

شاهنامه فقط به‌طور مستقیم بر هنرها اثر نمی‌گذارد بلکه شیوه‌های

گوناگون غیرمستقیم نیز در انتشار و تکرار و گسترش شاهنامه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. حتی می‌توان گفت که بیشترین تأثیرات و حضور شاهنامه با روش‌های غیرمستقیم صورت گرفته است. این‌گونه از حضور موجب خلق زبانی ضمنی و ارجاعی ضمنی می‌شود که همین بیان ضمنی خود زمینه و بستر ابهام و ابهام و همچنین چندمعنایی و برداشت‌های گوناگون را فراهم می‌کند. هنگامی که شاهنامه از یک متن متکثر می‌شود و در بخش‌های گوناگون و به شکل‌های متفاوت منتشر می‌شود، دیگر ردیابی آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در این صورت متن به اسطوره‌متن تبدیل می‌گردد و از لایه‌های قابل سطحی و قابل شناسایی به لایه‌های درونی و پنهانی نفوذ می‌کند.

تک‌نشانه‌ای و چندنشانه‌ای: شاهنامه در مواردی فقط در یک نظام نشان‌های متجلی می‌شود و خود را تکثیر می‌کند. به بیان دیگر، گاهی بیش‌متن شاهنامه فقط دارای یک نظام نشان‌های است و متن مورد توجه متنی تک‌نشانه‌ای تلقی می‌گردد. هنگامی که این برگرفتگی غیرکلامی باشد، انتساب آن به‌ویژه به شاهنامه بسیار دشوار می‌شود. در واقع ارجاع کلامی صریح‌ترین نوع ارجاع است، به‌ویژه برای شاهنامه که خود نیز از نظام کلامی شکل گرفته است. بسیاری از متن‌های هنری دارای چندین نظام نشان‌های هستند. متن‌های هنری برای زیبایی از چندین نظام گوناگون همچون انواع شاخه‌های تصویری، حجمی، کلامی و حرکتی استفاده می‌کنند. در این‌جا به پاره‌ای از این ترکیبات اشاره می‌شود: نوشتاری و تذهیبی (خوش‌نویسی و تذهیب)، نوشتاری و اسلیمی (کاشیکاری)، نوشتاری و شمایل (خوش‌نویسی و نگارگری یا کتیبه و شمایل در کاشیکاری)، نوشتاری و حجمی (خوش‌نویسی و حجم‌سازی یا کتیبه‌نگاری برجسته)، گفتاری و نمایشی (نقالی)، گفتاری و شمایل (پرده‌خوانی)، گفتاری، نوشتاری و حرکتی (فیلم، پویانمایی و بازی‌های رایانه‌ای)، گفتاری و موسیقایی (موسیقی آوازی شاهنامه).

بسیاری از شاهنامه‌ها فقط دارای دو نظام کلامی و تصویری از نوع خوش‌نویسی و تذهیبی آن هستند. تعداد این‌گونه شاهنامه‌ها قابل توجه

است. چنان‌که در بسیاری از مواقع قصد یا امکان تصویرپردازی نبوده و به همین دلیل خوش‌نویسی فقط با تذهیب همراه شده است. شاهنامه‌های زیادی نیز وجود دارد که در آن علاوه بر کلام از شمایل استفاده کرده‌اند. چنان‌که در آن‌ها نظام کلامی و نظام تصویر دو نظام نشانه‌ای ترکیبی را شکل می‌دهند. همچنین یکی از جلوه‌های اساسی و اصلی تجلی شاهنامه در نمایش این است که از دو نظام کلامی و حرکت بدنی استفاده می‌کند. نمایش کلامی خود دارای انواع گوناگونی است. گاهی نظام‌های نشانه‌ای بیشتری با هم هم‌کاری دارند. چنان‌که در فیلم‌های سینمایی با موضوع شاهنامه هم نظام کلامی، هم تصویری و حرکتی و هم موسیقایی همگی حضور دارند و انتقال مضمون شاهنامه را به یاری هم انجام می‌دهند.

همانگونگی یا تراگونگی: روابط بیش‌متنی آثار برگرفته‌شده از شاهنامه گوناگونی بسیار زیادی دارند و می‌توان تقریباً انواع برگرفتگی‌ها را در بیش‌متن‌های شاهنامه‌ای مشاهده کرد. به عبارت دیگر، شاهنامه پیکره مطالعاتی خوبی برای شناسایی انواع و اقسام برگرفتگی‌ها محسوب می‌شود. زیرا هم از روش تقلید و هم از روش تراگونگی برای تکثیر و گسترش خود بهره جسته است. تقلید در گذشته دارای انواع و اقسام متعددی بود و از نظر کارکرد با آن چیزی که امروز با آن سروکار داریم متفاوت است. البته باید گفت تقلید یا به‌طور مستقیم صورت می‌گیرد، یعنی از اصل متن شاهنامه تقلید می‌شود یا به صورت غیرمستقیم، یعنی از متنی که خود برگرفته از شاهنامه است. با حضور قسم دوم انواع تقلیدهای مرتبط با شاهنامه بسیار متنوع و گسترده می‌شوند.

کتابت (بازنویسی یک متن عین متن اصلی) از روش‌های حفظ و ترویج آثار نوشتاری در گذشته بوده و تقریباً نقش چاپ در دنیای امروز را بر عهده داشته است. کتابت همواره با خوش‌نویسی همراه بوده، اما گاهی جنبه خوش‌نویسی آنچنان با اهمیت بوده که علاوه بر انتقال درست قصد انتقال زیبایی را نیز داشته است. در این صورت کتابت با هنر خوش‌نویسی همراه خواهد بود.

کتابت ساده‌ترین و رایج‌ترین شکل تقلید تلقی می‌گردد. مثناسازی بیشتر در مورد هنرهای تصویری به‌کار می‌رفته است. هنرمندان مثناساز می‌کوشیدند اثری زیبا را به همان شکل بازتولید کنند تا آن را با تکرار در اختیار دیگر کتابخانه‌ها یا حامیان هنر قرار دهند. برخی از هنرها چنان ویژگی‌هایی دارند که هم نیاز و هم امکان تکرار در آن‌ها موجب می‌شود تا قطعات خلق‌شده با تکنیک‌هایی خاص تکرار یابند. این موضوع در هنرهای وابسته به معماری و همچنین در هنرهای وابسته به نساجی رواج زیادی دارد. چنان‌که ملاحظه می‌شود این روش بیشتر در صنایع هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دسته دوم پیش‌متن‌هایی هستند که با دگرگون کردن متن شاهنامه به شکل‌های مختلف موجب تکرار و زایش آن می‌شوند. پیش‌متنی که با تراگونگی خلق شود تقلید شاهنامه نیست، بلکه مؤلف برای ایجاد انواع انطباق‌هایی که احساس می‌کند لازم است، به مجموعه‌ای از تغییرات و دگرگونی‌ها دست می‌زند که برای نوشتار ما بسیار حایز اهمیتند. بنابراین بی‌جهت نیست که بخش مهمی از مطالعه ما را به خود اختصاص می‌دهند. در این جا به برخی از گونه‌های تراگونگی یا دگرگونگی و نقش آن‌ها در تکرار اسطوره - متن شاهنامه اشاره می‌شود.

پیش از به پایان بردن مقدمه لازم است یادآوری شود که شاهنامه‌ی فردوسی موجب ارتباط، تعامل و نزدیکی میان نظام کلامی و نظام‌های دیگر هنری در فرهنگ ایرانی شده است. همچنین با توجه به مطالب یادشده، حضور شاهنامه به منزله کانون هنری در فرهنگ ایرانی موجب هماهنگی میان انواع هنرهای مرتبط گردید. این نکته را نیز نمی‌توان یادآوری نکرد که پاره‌ای از هنرها بر اساس شاهنامه شکل گرفته‌اند، چنان‌که اگر شاهنامه نبود این هنرها نیز به‌وجود نمی‌آمدند.

بنابراین، تعامل شاهنامه و هنر دارای تاریخ، گستره و تنوع ویژه‌ای است که در هیچ کتاب دیگری چه در فرهنگ ایرانی و چه در فرهنگ‌های دیگر مشاهده نشده است. این رابطه دوسویه بوده است، چنان‌که شاهنامه

از یک‌سو از مهم‌ترین موضوع‌ها و مضامین هنری محسوب می‌شود و از دیگر سو با هنر خود را گسترش می‌دهد و متکثر می‌سازد. بدون هنر، شاهنامه هیچ‌گاه تا بدین حد مورد توجه و استقبال قرار نمی‌گرفت؛ و بدون شاهنامه هنر ایرانی بخش‌های مهم خود همچون هنر حماسی را از دست می‌داد. همچنین باید افزود که هنرها چنان‌که باید هنوز از قابلیت‌های شاهنامه بهره نبرده‌اند. هنرهای نوینی همچون سینما، پویانمایی و تئاتر بیش از بسیاری از دیگر هنرها می‌توانند از درونمایه‌های بیکران شاهنامه بهره گیرند و نه تنها موجب گسترش مبادی فرهنگی شاهنامه گردند بلکه خود نیز در این تعامل غنی‌تر و بومی‌تر شوند.

مجموعه حاضر در نظر دارد تا پاره‌ای از جلوه‌های شاهنامه را در هنر ایرانی و ایرانی-اسلامی معرفی کند. به همین منظور و برای نشان دادن مشت‌ی از خروار، این مجموعه به مقالاتی در حوزه‌های نگارگری، خوش‌نویسی، معماری، فلزکاری و فرش اختصاص یافته است. به‌طور یقین این مجموعه و هر مجموعه‌ای دیگر از این دست نمی‌تواند کامل باشد. هدف ما از این مجموعه به دست دادن نمونه‌هایی برای بیان عمق و گستره تعامل میان شاهنامه و هنرهای ایرانی است.

در این جا بجاست از تمامی استادان و محققانی که در فراهم آوردن این مجموعه همکاری کردند، به‌ویژه از آقای علی تقوی، کارکنان انتشارات علمی و فرهنگی و همچنین معاون محترم فرهنگی و مدیر عامل فرهنگ‌دوست آن سپاسگزاری کنم.

بهمن نامورمطلق

تهران، ۱۳۸۹